

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپاقت

سال شانزدهم، شماره ۶۰، پاییز ۱۴۰۱
صفحه ۱۴۳ تا ۱۶۰

بررسی مسئولیت شورای امنیت در قبال شناسایی متجاوز جنگی؛ مطالعه موردی جنگ عراق علیه ایران

مهدی کردبچه حسین آباد / دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران،
mehdikh175@yahoo.com

ابومحمد عسگرخانی / دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول،
asgarkha@ut.ac.ir

مریم مرادی / (استادیار گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران)،
moradimaryam@yahoo.com

سیدباقر میرعباسی / (استاد گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران)،
Mirabassi@parsilo.com

چکیده

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان نهادی که مسئول حفظ و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی است، نقش مؤثری در بحران جنگ عراق علیه ایران داشته است. پژوهش حاضر به بررسی مسئولیت شورای امنیت در قبال شناسایی متجاوز جنگی پرداخته است. سؤال نوشتار این است: بر مبنای عملیات حفظ صلح، شورای امنیت چه وظایفی در قبال جنگ عراق علیه ایران داشته است؟ فرضیه این است: معرفی و شناسایی تهدید از سوی متجاوز، برقراری آتش‌بس، تعیین خسارت و سپردن متجاوز به نهادهای بین‌المللی برای برقراری عدالت، به عنوان عناصر عملیات حفظ صلح از سوی شورای امنیت هستند که هرگز به طور دقیق علیه عراق اعمال نشده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بر عهده گرفتن شناسایی متجاوز جنگی و همچنین تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، علاوه بر اینکه برای دولت‌ها مسئولیت‌زاست، برای سازمان‌های بین‌المللی نظیر شورای امنیت نیز مسئولیت ایجاد می‌کند. از این جهت، علاوه بر کشور عراق که آغازگر جنگ علیه ایران بوده است، شورای امنیت، چه در زمان جنگ و چه امروزه که بحث دریافت غرامت برای ایران مطرح است، مسئول است. ضمن اینکه کشورهای بی‌طرفی که اصل بی‌طرفی را در زمان جنگ رعایت نکردند، شامل مشارکت کنندگان در جنگ می‌باشند و از این رو ملزم به پرداخت غرامت هستند. پژوهش حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و چارچوب نظری عملیات حفظ صلح بهره برده است.

کلیدواژه: شورای امنیت، عراق، جمهوری اسلامی ایران، جنگ، شناسایی متجاوز.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۵/۶

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۳/۸

این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهدی کردبچه حسین آباد می‌باشد.

مقدمه

در گذشته توسل به جنگ به عنوان یک ابزار در روابط بین کشورها مشروع و قانونی تلقی می شد. اما در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی، ابتدا اقداماتی جهت محدودیت جنگ اتخاذ و سپس گام های بعدی جهت ممنوع کردن کامل جنگ و توسل به آن به منظور رسیدن به اهداف و اغراض حقوقی و سیاسی اعم از مشروع و قانونی و یا نامشروع و غیر قانونی برداشته شد تا اینکه پس از جنگ جهانی دوم با تدوین منشور سازمان ملل متحد در اوسط قرن بیستم جنگ به طور کلی ممنوع شد (بند ۴ ماده ۲ منشور) و کشورها موظف گردیدند که اختلافات خود را به شیوه های مسالمت آمیز بر طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل و فصل نمایند، به نحوی که صلح و امنیت بین المللی به خطر نیافتد. براساس ماده ۲۴ منشور کشورها مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده شورای امنیت قرار دادند و آنقدر به این شورا اطمینان و به عملکرد آن اعتماد داشتند که وفق ماده ۱۲ تعهد دادند تا زمانی که شورا امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیتی که در حال انجام وظایفی است که در منشور بدان محول شده است در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ گونه توصیه ای هم نکنند، مگر اینکه شورای امنیت خود چنین تقاضایی نماید.

کشورها نیز در این پیمان امنیت دسته جمعی که موجب منشور آن را امضاء کرده اند، تعهد نمودند که چنانچه منازعه ای بین دو کشور بوجود آمد، از دخالت در آن خودداری نموده و ضمن حفظ بی طرفی که یکی از اصول مهم حقوق بین الملل محسوب می گردد، در قالب منشور با کشور خاطی برخورد نموده و او را از تجاوزاتش منع نمایند و چنانچه متنبه نشد و سرباز زد در چهارچوب منشور به مقابله علیه وی برخیزند و با تمام ابزارهای که منشور در اختیار آنها قرار داده از تحریم گرفته تا اقدام نظامی علیه خاطی و متجاوز حقوق مورد تعدی قرار گرفته کشور صدمه دیده را برگردانده و جبران نمایند. علاوه بر این، چنانچه نقض مقررات حقوق بین الملل را نمایند و از دایره ای بی طرفی خارج شده و به کشور خاطی و متجاوز مساعدت نمایند دارای مسئولیت بوده و باید جبران خسارات نمایند، ماده ۱۶ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها ۲۰۰۱ موید همین مطلب می باشد.

با تدوین منشور ملل متحد مخصوصاً بند ۱ ماده ۱ و بند ۴ ماده ۲، جنگ مشروعیت خود را از دست داد و قاعده عدم توسل به زور جای آن را گرفت و هیچ کشوری حق نزاع و درگیری مسلحانه با کشورهای دیگری را نداشته و کشورها باید اختلافات خود را با روش های مسالمت آمیز حل و فصل نمایند و این مسئله ای که همه حقوق دانان بین المللی بر

آن اتفاق نظر دارند و از طرفی امضاء کنندگان منشور ملل متحد که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیای امروز را تشکیل می‌دهند، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده شورای امنیت سازمان ملل گذاشتند. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا این شورا وظیفه خود را به خوبی و درستی مطابق آنچه منشور به خصوص فصل ششم و هفتم به عهده‌اش گذاشته است، انجام می‌دهد. به صورت مصداقی، آنچه مورد توجه پژوهش حاضر است این است که عملکرد این شورا در جنگ عراق علیه ایران به چه ترتیب بوده است.

۱. پیشینه تحقیق

جنگ عراق علیه ایران به‌عنوان مهم‌ترین جنگ خاورمیانه در دوره معاصر، آثار متعددی بر تحولات منطقه و جهان گذاشته است که به‌طور مشخص، عیار سازمان‌های بین‌المللی را در قبال جنگ‌ها به محک آزمون گذاشته است. در همین راستا به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

حمد عبدالعزیز الکواری (۱۳۸۷)، در اثر "عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران"، به بررسی تاریخی نقش شورای امنیت در قبال جنگ عراق علیه پرداخته است و با ضعیف خواندن نقش این سازمان مهم بین‌المللی، عمده فعالیت‌های آن را در سال‌های پایانی جنگ می‌داند که خسارت‌های سهمگینی علیه دو طرف انجام شده بود. مرتضی شیرودی (۱۳۸۰)، در اثر "دو جنگ دو دآوری (بررسی استراتژی سازمان ملل متحد در دو جنگ ایران و عراق و خلیج فارس)، مواضع سازمان ملل متحد از جمله نهادهای وابسته به آن یعنی شورای امنیت را در مواضعی ناعادلانه می‌داند که در متخاصم شناختن عراق علیه ایران، تعلل بسیاری به خرج داد، اما در مدت زمان کوتاهی، عراق را متجاوز علیه کویت شناخت. قاسم زمانی (۱۳۸۰) در اثر خود با عنوان "ناملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران" هم مواضع کشورهای غربی و از جمله متنفذان بین‌المللی و هم کشورهای حاضر در خاورمیانه را ناقض اصل بی‌طرفی می‌داند که با حمایت‌های آشکار و پنهان خود، عراق را بر علیه ایران تحریک به جنگ نمود و سپس در این جنگ نیز به حمایت از صدام پرداختند. حسین یکتا (۱۳۸۰)، در کتاب "ریشه‌های تهاجم، وضعیت نظام بین‌الملل در آستانه جنگ ایران و عراق" به این مسأله اشاره می‌کند که هرچند در دهه ۱۹۸۰م. قطب‌های جدید قدرت در جهان شکل گرفته بود، اما واقعیت سیاسی گویای آن است که هنوز دو ابرقدرت آمریکا و روسیه از لحاظ نظامی و قدرت

استراتژیک هنوز نیز از برتری‌های محسوسی نسبت به سایر مراکز قدرت برخوردار بودند. محمد درودیان (۱۳۷۹) در اثری با عنوان "سیری در پایان جنگ"، که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر شد به بررسی مواضع برخی کشورهای عربی در قبال جنگ پرداخته است و نشان می‌دهد که عربستان و کویت در زمره کشورهایی بودند که حامیان مالی عراق در جنگ بودند و حتی از منطقه بی‌طرف جنگی، منابع فراوانی را به سمت عراق سرازیر نمودند. قاسم زمانی (۱۳۷۶) در اثر دیگری با عنوان "حقوق بین‌الملل؛ کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران" مسأله به کارگیری سلاح شیمیایی در جنگ علیه ایران را بررسی می‌کند که از منظر حقوق بین‌الملل دارای تبعات فراوانی است. با این حال، برخی از قدرت‌های جهانی از جمله آلمان در بروز این فاجعه نقش مهمی داشتند. در طول جنگ ده‌ها شرکت آلمانی به صورت گسترده تسلیحات شیمیایی به عراق صادر کردند که از منظر حقوق بین‌الملل نیازمند بررسی هستند. جنبه‌های حقوقی حامیان جنگ، بی‌طرفی، نقش قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در تحریک و حمایت از عراق بر علیه ایران، مهم‌ترین محورهایی است که پژوهش‌های مذکور به آنها توجه نشان دادند، اما آنچه پژوهش حاضر دنبال می‌نماید و می‌تواند نوآوری پژوهش محسوب شود، بررسی مسئولیت نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت در قبال شناسایی متجاوز جنگی است که بارها به دلایل مختلف، نادیده گرفته شد.

۲. روش تحقیق

در خصوص نوع تحقیق از حیث روش باید گفت با توجه به اینکه داده‌های مورد نیاز پژوهش حاضر از طریق مطالعه مقالات علمی و مراجعه به کتابخانه به دست می‌آید، پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، استفاده از مقالات و متب علمی انجام شده در این زمینه بهره برده می‌شود. همچنین پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع اکتشافی و تحلیل و از نظر منبع و نوع اسناد کتابخانه‌ای بوده و از نوع کاربردی می‌باشد.

۳. چارچوب نظری؛ عملیات حفظ صلح

شورای امنیت سازمان ملل متحد بنابر اهدافی که برای آن در نظر گرفته شده است، راهکارها و تدابیری برای حفظ صلح انجام می‌دهد. برای پی بردن به انجام و یا عدم انجام این عملیات توسط شورای امنیت نیازمند بررسی ابعاد عملیات حفظ صلح هستیم. باید گفت که عملیات حفظ صلح، در یک شرایط جنگی و پیش‌جنگی قابل درک است. گام

اول در عملیات حفظ صلح از سوی شورای امنیت، نیازمند «استقرار پیشگیرانه» است که منظور از آن، استقرار نیروهای حفظ در آن منطقه است. هدف از استقرار پیشگیرانه، بالا بردن هزینه‌های سیاسی حمله از سوی متجاوز است (United Nation, 2008: 18). اقدام بعدی در راستای عملیات حفظ صلح، کمک به اجرای توافقات است که سازمان ملل در السالوادور، کامبوج، آنگولا و موزامبیک انجام داد (United Nation, 2008: 18). شکل دیگری از عملیات حفظ صلح، ایجاد رویه‌ای برای انجام مذاکرات میان طرفین مناقشه است. از جمله می‌توان به توافقات صلح میان عراف و کویت از سوی سازمان ملل اشاره نمود (Ghoniem, 2003: 3). اقدام مهم بعدی در راستای عملیات حفظ صلح، «اجرای آتش‌بس» است. نظیر کاری که در کشور بوسنی توسط سازمان ملل اتخاذ شد (Roberts, 1994: 8). موارد یاد شده بخشی از فرایند و اعمال سازمان‌های بین‌المللی در راستای پیشگیری از جنگ و یا کمک به رفع مناقشه میان دولت‌ها است. اما در صورت ناکامی از پیشگیری از جنگ، نیازمند اتخاذ تدابیری برای انجام عملیات صلح در قالب «اجرای صلح» هستیم. اجرای صلح، ناظر بر حمایت از کشورهایی است که در جنگ، مورد تجاوز قرار گرفتند (سجادپور و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). اقدامی که می‌تواند باعث افزایش مشروعیت سازمان ملل در سطح جهانی شود (Oliver, 2002: 101). اقدامات یاد شده، ابعاد مهم عملیات صلح به شمار می‌روند که از وظایف نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد است که به‌طور مشخص، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به نهاد شورای امنیت واگذار کرده است. اقدام دیگری که در این راستا به عنوان عناصر عملیات حفظ صلح شمرده می‌شوند، اقدام برای تعیین متجاوز در صورت بروز حمله و جنگ علیه یک کشور و یا برقراری نظام عدالت کیفری از طریق شناسایی کشور متجاوز و معرفی آن به نهادهای قضایی و کیفری بین‌المللی است (حجازی و صلح‌چی، ۱۳۹۹: ۲۰). در صورتی که هریک از وظایف مطرح شده از سوی شورای امنیت در قبال جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی صورت نگیرد، می‌توان نسبت به عملکرد این نهاد بین‌المللی با دیده بی‌عدالتی و انتقادی نگریست. بنابراین به طور دقیق می‌توان گفت که عملیات صلح از طریق اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد امکان محقق شدن دارد. با در نظر داشتن موارد فوق و بررسی مصادیق آن در قبال جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان نسبت به تحقق اهداف یاد شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد از یک طرف و همچنین امکان‌سنجی تحقق مسئولیت این نهاد بین‌المللی پرداخت.

۴. مبانی نظری، مسئولیت شورای امنیت در قبال جنگ و صلح

نهادهای بین‌المللی با هدف برقراری صلح و امنیت بین‌الملل و جلوگیری از فجایعی نظیر جنگ، تجاوز و خشونت تشکیل شده‌اند. در همین راستا، توجه به اهداف سازمان ملل متحد و نهادهای زیرمجموعه آن از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند کارکرد این نهادها را در عرصه عمل به ما نشان دهد. به طور کلی، هدف از تشکیل سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح، نقض صلح و متوقف کردن هرگونه عمل تجاوز می‌باشد (بند ۱ ماده ۱ منشور ملل متحد). در همین راستا، به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار نموده‌اند (بند ۱ ماده ۲۴ منشور) و کشورهای عضو ملل متحد نهاد شورای امنیت را چنان صالح و امین و مورد اعتماد دانسته‌اند و تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیتی را در حال انجام وظیفه باشد که در این منشور به آن محول شده است، مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت، هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد، مگر این که شورای امنیت چنین تقاضایی داشته باشد. (بند ۱ ماده ۱۲ منشور). مطابق فصل هفتم منشور چنانچه نقض صلح شدید بوده یا عملیات تجاوزکارانه گسترده صورت گرفته باشد شورای امنیت باید در ابتدا قطع ارتباط و سپس اقدام به تحریم نموده و در صورت نیاز مجاز و در مواردی موظف به استفاده از نیروهای مسلح علیه متجاوز می‌باشد.

دفاع مشروع در منشور ملل متحد نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس که هر سیستم قانونی به اعضای خود اجازه می‌دهد در صورتی که مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و به حقوق آنها تجاوز شود از خود دفاع نمایند؛ مگر اینکه آن سیستم یک ارگان اجرای قدرتمند و فعال جهت دفاع از اعضای خود داشته باشد (Rudolf, 1982: 212).

همان‌طور که هر اصلی استثنائی دارد، ماده ۴ بند ۲ منشور ملل متحد نیز دارای استثناء می‌باشد و آن ماده ۵۱ منشور بوده که مقرر می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد، اعضا باید اقداماتی را که در اعمال حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای

حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم بعمل خواهد آورد تأثیری نخواهد داشت.

ماده ۵۱ منشور ملل متحد مبنای قانونی پیمان‌های نظامی از جمله ناتو، ورشو و پیمان‌های مشابه دیگر است که حق دفاع جمعی علیه متجاوز را به رسمیت شناخته است، اما آنچه مورد پذیرش اکثریت حقوقدانان بین‌المللی است، عدم جواز اقدام به حمله پیشگیرانه در مقابل یک خطر قریب‌الوقوع می‌باشد و اگر کشوری در چنین حالتی ابتدا اقدام به جنگ نماید، به احتمال زیاد خود متجاوز شناخته خواهد شد، هر چند که در خصوص حمله پیشگیرانه و پیش‌دستی در حمله نظریات دیگری نیز وجود دارد، اما آنچه که اصل مسلم و مورد قبول اکثریت حقوقدانان است عدم مشروعیت و قانونی نبودن حمله پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل معاصر است (Malanczuk, 1984: 262).

در هر صورت با توجه به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نهادهای بین‌المللی در زمینه جنگ و صلح، این سازمان‌ها نیز تحت شرایط خاصی دارای مسئولیت بین‌المللی هستند. طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در خصوص تعریف مسئولیت بین‌المللی در ماده ۳ مقرر داشته است که اعمال متخلفانه یک سازمان بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی آن سازمان خواهد شد. نکته مهم دیگر در ماده ۴ همین قانون بیان شده و بدین ترتیب است که ترک فعل را نیز موجب مسئولیت بین‌المللی دولت دانسته است. لذا وقتی یک سازمان بین‌المللی قواعد حقوق بین‌الملل را نقض نماید دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد شد (عابدینی و روزگاری، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲). لذا ملاحظه می‌شود که هم خود ارکان و کارگزاران سازمان بین‌المللی بزرگی چون سازمان ملل متحد و هم دیوان بین‌المللی دادگستری عقیده دارند که سازمان‌های بین‌المللی به مانند دولت‌ها می‌توانند دارای مسئولیت بین‌المللی شوند.

ماده ۴ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مقرر می‌دارد: عمل متخلفانه بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل؛ الف). طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن سازمان باشد، و ب) نقض تعهد بین‌المللی آن سازمان محسوب گردد. در همین راستا، بر اساس ماده ۱۰ معاهده مذکور:

۱. هنگامی که فعل یک سازمان با تعهداتی که آن سازمان بر عهده دارد، مطابقت نداشته باشد، فارغ از منشأ یا ماهیت تعهد مزبور، نقض تعهد بین‌المللی از سوی آن سازمان به وجود خواهد آمد.

۲. بند اول شامل نقض هر تعهد بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی می‌شود که ممکن است نسبت به اعضای آن بر اساس قواعد سازمان ذیربط بوجود آید. منظور از عبارت «تعهد بین‌المللی» در بند ۱ شامل کلیه تعهدات که می‌تواند ناشی از معاهدات یا قواعد عرفی حقوق بین‌الملل یا اصول کلی حقوقی باشد و منظور از «تعهدات سازمان در قبال اعضا» که در بند ۲ به آن اشاره شده این است که این تعهدات قسمت عمده‌ای از تعهدات یک سازمان را تشکیل می‌دهند که به موجب قواعد آن سازمان برایش ایجاد می‌شود (عابدینی و روزگاری، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۰). به عنوان یک قاعده، فعل‌ها و ترک فعل‌های ارگان و کارگزاران یک سازمان بین‌المللی به هر رتبه و ماهیتی که باشند که در راستای انجام وظایف آنها به وقوع پیوندند، قابل انتساب به آن سازمان است (همان: ۵۰-۴۷). پس اولاً سازمان‌های بین‌المللی مسئولیت دارند و ثانیاً اگر حتی به موجب ترک فعل یک سازمان بین‌المللی به شخصی حقیقی یا حقوقی (دولت) ضرر و زیانی وارد شود آن سازمان مسئولیت داشته و باید جبران خسارت کند. ماده ۷ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی بیان می‌دارد که؛ رفتار ارگان یک دولت یا ارگان و کارگزاران یک سازمان بین‌المللی که در اختیار یک سازمان بین‌المللی گذاشته می‌شوند، طبق حقوق بین‌الملل عمل آنها عمل سازمان اخیر محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه سازمان اخیر بر رفتار آنان کنترل موثر اعمال کرده باشد.

۵. شورای امنیت و مسئولیت در قبال شناسایی متجاوزان

۱-۵. عدم صراحت در شناسایی و معرفی متجاوز

بر مبنای چارچوب نظری اتخاذ شده می‌توان گفت که مسئول استقرار نظم و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است (عالی زارنجی، ۱۳۹۵: ۱۴۹). یعنی اگر بازیگری اعم از دولتی و غیردولتی، با تجاوز به یک سرزمین باعث بر هم زدن نظم و امنیت بین‌المللی شود، بر عهده شورای امنیت است که نسبت به شناسایی متجاوز اقداماتی انجام دهد. بر همین اساس باید گفت که مخاصمه مسلحانه بین ایران و عراق از سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز و تا آگوست ۱۹۸۸ ادامه داشت، از سوی عراق آغاز شد و یک عمل تجاوز کارانه محسوب می‌شود. شورای امنیت به‌عنوان ابزار اجرایی سازمان ملل متحد به حکم و تجویز منشور سازمان ملل ملزم و موظف بود که سریعاً در آن دخالت کرده و به استفاده از زور توسط دولت متجاوز پایان دهد. علیرغم اهمیت و گستردگی این جنگ شش‌ماهه موضع شورای امنیت تا سال ۱۹۸۷ یعنی به مدت هفت سال پس از آغاز جنگ در قبال آن کند،

سست و توأم با اهمال و تردید و دو دلی بود تصمیماتش در آن دوره مبهم، غامض و پیچیده جزئی و منفعل صورت می گرفت. شورای امنیت فقط در اواخر جنگ یعنی بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ نقش فعال تری بازی کرد و بسیار دیر هنگام و پس از رنج های بشری سنگین و خسارت های مادی عظیم اقداماتی را جهت پایان دادن به آن اتخاذ نمود (الکوارى، ۱۳۸۷: ۲۸۰). با این همه و به رغم ارسال ده ها یادداشت اعتراض آمیز، ایران تنها کشور بود که سعی کرد نظر سازمان ملل متحد را به حوادث مسلحانه مرزی و تجاوز گسترده علیه تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی خود جلب نماید.^۱

کشورهای عضو دائم شورای امنیت و همچنین اعضای غیردائم وقت شورای امنیت تعلل زیاد و اهمال فراوان در خصوص انجام وظایف خود برای پایان دادن به نقص صلح انجام شده و پایان دادن بر تجاوز صورت گرفته مصروف داشتند و مکرراً با نشست علنی شورای امنیت مخالفت نموده و نشست های غیر رسمی برگزار می نمودند، زیرا در آن مقطع زمانی هیچ یک از کشورهای اروپایی سوسیالیستی، اسلامی و حتی غیر متعهدها تمایل نداشتند که با اتخاذ نظری صریح و آشکار منافع خود را به خطر اندازند؛ زیرا نشست های رسمی این کشورها را ملزم می کرد که مواضعی را اتخاذ نمایند که به ظن غالب می توانست به طرفداری از ایران یا عراق منجر یا تفسیر شود (Wizuntizer, 1980: 3).

به طور طبیعی، طولانی شدن فرایند شناخت متجاوز جنگی توسط شورای امنیت سازمان ملل، منجر به تحمیل خسارت بیشتری به ایران می شد که در این جنگ مورد تجاوز قرار گرفته بود. شواهد تاریخی حاکی از آن است که شورای امنیت در قطعنامه های صادره در خصوص جنگ ایران و عراق مهم ترین کاری که انجام داده است اظهار نگرانی است و هیچ اقدام عملی دیگری انجام نداده است. برای مثال در قطعنامه های ۴۹۷ و ۵۲۲ و ۵۸۲ و ۵۹۸ نگرانی عمیق خود را از گسترش افزایش و تشدید برخورد و وضعیت (بدون به کار بردن لفظ جنگ و تجاوز) میان ایران و عراق ابراز می دارد! و یا اینکه در قطعنامه های ۵۱۴ و ۵۲۲ و ۵۸۲ و ۵۸۸ و ۵۹۸ از طولانی شدن برخورد (بدون به کار بردن جنگ و تجاوز) میان دو کشور ابراز نگرانی عمیق یا اظهار تاسف نموده است. همچنین شورای امنیت در قطعنامه های صادره خود در مورد جنگ ایران و عراق بدون تعیین تجاوز فقط خواستار

^۱ - منبع پیشین به استناد تلگراف ایران به تاریخ بیست و سوم جولای سال ۱۹۸۰ که در سند شماره S/۱۴۰۷۰ شورای امنیت ذکر شده است.

عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی شده است، بدون در نظر گرفتن حالت جنگی و مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صورت پذیرفته بین دو کشور با آن گستردگی و دهشتناکی. گویی که یک نزاع لفظی بین دو کشور ایران و عراق صورت پذیرفته در قطعنامه‌های خود مکرراً از طرفین می‌خواهد که این نزاع را با میانجیگری و یا هر وسیله دیگری از روش‌های حل مسالمت‌آمیز منازعات حل و فصل نمایند.^۲ همچنین شورای امنیت با چشم پوشی از شدت درگیری و مخاصمه مسلحانه گسترده‌ای که بین ایران و عراق رخ داده بود و با اغماض از این وظیفه خود که می‌بایست در چنین شرایطی مطابق ماده ۴۱ منشور ملل متحد علیه متجاوز اقدام به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و محدودیت ارتباطات و محاصره زمینی، هوایی و دریایی نماید و یا از کشورها بخواهد که در این مسیر حرکت نمایند، از کشورها می‌خواهد که در خصوص جنگ ایران و عراق خویشتن‌داری نمایند، بدون اینکه متجاوز را محکوم نمایند.^۳

۲-۵. عدم اقدام برای تعیین وجود تهدید

یکی از اقدامات شورای امنیت سازمان ملل در راستای عملیات حفظ صلح، تعیین وجود تهدید به صلح یا اقدام تجاوز کارانه و ارائه توصیه درباره اینکه چه اقدامی باید صورت گیرد (حجازی و صلح‌چی، ۱۳۹۹: ۱۲). اما این رویه هرگز درباره جنگ عراق علیه ایران به صورت عملی توسط شورای امنیت صورت نگرفت. هرچند که در این زمینه، عراق به عنوان متجاوز جنگی، آشکارا در سرزمین ایران مداخله جنگی نمود. با توجه به اینکه جنگ یک واقعیت عینی و بر مبنای شواهد روشن است، شورای امنیت سازمان ملل این وظیفه را بر عهده دارد که به صورت دقیق و بدون اتلاف وقت، نسبت به طرفین هشدارهای عملی دهد و آنان را به خویشتنداری و یا اتخاذ تدابیری دیپلماسی برای حل و فصل اختلافات نماید. این موارد بخشی از فرایند عملیات حفظ صلح نیز محسوب می‌شوند. تفاوتی که شورای امنیت میان جنگ عراق و ایران و جنگ عراق و کویت اعمال کرده بود، نشان از دوگانگی رفتار این نهاد بین‌المللی دارد. این در حالی است که در خصوص

^۱ - بند ۲ قطعنامه ۵۱۴، بند ۲ قطعنامه ۵۴۰، بند ۳ قطعنامه ۵۸۳ و بند قطعنامه ۵۹۸.

^۲ - بند ۱ و ۲ قطعنامه ۴۷۹، بند ۴ قطعنامه ۵۱۴، بند ۵ قطعنامه ۵۲۲، بند ۱ قطعنامه ۵۴۰، بند ۵ قطعنامه ۵۸۳ و بند ۳ قطعنامه ۵۹۸.

^۳ - بند ۳ قطعنامه ۴۷۹، بند ۵ قطعنامه ۵۱۴، بند ۶ قطعنامه ۵۲۲، بند ۶ قطعنامه ۵۴۰، بند ۳ قطعنامه ۵۵۲، بند ۷ قطعنامه ۵۸۳ و بند ۵ قطعنامه ۵۹۸.

جنگ عراق و کویت، شورای امنیت در قطعنامه های صادره ۹ بار به فصل هفتم منشور ملل متحد استناد کرده است، در نتیجه شورای امنیت با استناد به فصل هفتم منشور، عراق را متجاوز اعلام کرد و همواره با درخواست های مکرر خود، عقب نشینی بدون قید و شرط عراق از خاک کویت را خواستار شد. همچنان که با اقدامات موقتی و سپس قطعی و قهری در مورد عراق، جهت استقرار صلح و دفع تجاوز آن کشور را توسط تعدادی از اعضای سازمان ملل به مرحله اجرا گذاشت. ضمن اینکه شورای امنیت در قطعنامه های صادره در خصوص جنگ عراق و کویت نه تنها از کشورها نخواست که خویشتنداری نمایند، بلکه کشورها را ملزم نموده است که اقدامات پیشنهادی شورا را به سرعت و دقت به اجرا گذارند. مهم ترین تقاضاهای شورای امنیت از کشورها درباره عراق (در جنگ با کویت) عبارتند از:

- رعایت تحریم های سیاسی، اقتصادی، مالی، زمینی، دریایی و هوایی عراق (تقریباً تمام قطعنامه ها)؛

- ارائه اطلاعات مورد نیاز شورای امنیت از سوی کشورها برای اتخاذ تدابیر لازم توسط شورا (قطعنامه ۶۶۱)؛

- عدم شناسایی الحاق و انضمام کویت به عراق توسط کشورها (قطعنامه ۶۲۲)؛
- اعزام نیروی دریایی و هوایی توسط کشورهای ائتلاف به منطقه خلیج فارس (قطعنامه ۶۶۵)؛

- لغو قراردادهای و لغو امتیازات و پروانه های صادره برای عراق (قطعنامه ۶۷۰)؛
- ارائه اطلاعات لازم در برآورد خساراتی که در جریان منازعه و بحران موجود و جنگ به کشورشان وارد آمده است (قطعنامه ۶۷۴)؛

- همچنین شورای امنیت در بند ۱۲ قطعنامه ۶۷۰ کشورها را ملزم کرده بود که به منظور وادار کردن عراق به ترک خاک کویت، دولت های عضو با دولت کویت همکاری نمایند تا بتوانند از تمام وسایل ممکن استفاده نمایند و تهدید کرده بود در صورت تخلف دولت و یا اتباعش یا از طریق خاک آن کشور نسبت به مقررات قطعنامه ۶۶۱ مصوب سال ۱۹۹۰ تخلفی صورت پذیرد تدابیری را به منظور جلوگیری از تکرار چنین تخلفاتی در نظر گیرد (شیرودی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

اما این اقدامات درباره کارکرد شورای امنیت از منظر مسئولیت در قبال شناسایی متجاوز جنگی در جنگ عراق علیه ایران انجام نشده است. زیرا شورای امنیت نه تنها

نسبت به خطر تهدید قبل از جنگ اقدامی عملی ننمود، بلکه حتی پس از آن، نسبت به انجام وظایف خود خودداری نمود. یعنی این وظیفه که با توصیه به روش‌های مسالمت‌آمیز نسبت به حل و فصل اختلافات بین‌المللی ورود نماید (ضیایی بیگلری، ۱۳۹۵: ۲۴۵). بدین ترتیب شورای امنیت به عنوان رکن اصلی سازمان ملل، مسامحه و نادیده انگاری را در پیش گرفت که همین مسأله باعث دامن زدن به برخی از بی‌اعتمادی‌ها از سوی ایران نسبت به این نهاد بین‌المللی شده بود.

۳-۵. خسارت و غرامت جنگی و نقش شورای امنیت

در چارچوب عملیات حفظ صلح، بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل بر نقش شورای امنیت در پیشگیری از جنگ تأکید دارد (آقازاده، ۱۳۹۵: ۱۴۹). اما اگر کشوری با عدول از شرایط مندرج در منشور سازمان ملل، اقدامی نظامی علیه کشوری دیگر نمود، مسئولیت خسارت و غرامت جنگی را بر عهده دارد. این در صورتی است که نهادهای مستقل بین‌المللی از جمله شورای امنیت بتوانند نسبت به شناسایی متجاوز و وادار کردن وی به خسارت، اقدامات لازم را انجام دهند. اقداماتی که حتی می‌توانند مشمول نظام عدالت کیفری از سوی شورای امنیت باشند. یعنی مجموعه قوانینی که باعث تعیین مجازات برای هر یک از جرایم صورت گرفته باشد (McLaughlin and Muncie, 2001: 66). با توجه به اینکه در پایان جنگ ایران و عراق، متجاوز به صورت دقیق شناسایی شد، اما فرایند عدالت کیفری هم از منظر تعیین خسارت برای دولت متجاوز (عراق) و هم از نظر تعقیب کیفری از سوی شورای امنیت، چندان قابل توجه نبود. بنابراین در چارچوب عملیات حفظ صلح به عنوان وظیفه شورای امنیت سازمان ملل متحد، قصور و ناتوانی مشاهده می‌شود.

توضیح اینکه، در شش بند از ده بند قطعنامه ۵۹۸ که پایان جنگ را اعلام کرده بود، وظایف گسترده‌ای را بر عهده دبیرکل سازمان ملل قرار می‌دهد که مهم‌ترین آنها بند ۶ و ۷ این قطعنامه می‌باشد. در بند ۶ از دبیرکل در خواست می‌نماید که با مشورت ایران و عراق مسئله تفویض اختیار به یک هیئت بی‌طرف جهت تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد. با کارشکنی‌های عراق در خصوص تعیین چنین هیأت کارشناسی در نهایت خاویر پترزکوئیار، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد بدون تشکیل هیئت بی‌طرف که در بند ۶ آمده بود سه سال بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ و در آخرین روزهای کاری خود عراق را متجاوز اعلام کرد، اما در بند ۹ گزارش خود بیان می‌دارد که با توجه و عنایت به مصالح سیاسی به خصوص تامین و حفظ

صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه و برقراری روابط صلح‌آمیز بین دو طرف پیگیری بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ هدف مفیدی نخواهد داشت (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۷۶-۱۷۵). در واقع می‌توان این اظهارنظر دبیرکل را چنین تفسیر کرد که ایران از مطالبه غرامت و پرداخت خسارات مادی و معنوی ناشی از جنگی که آقای دبیرکل، عراق را به دلیل نقض حقوق بین‌الملل مسئول آغاز و تحقق آن اعلام کرده بود اغماض و صرف نظر نماید (ممتاز، ۱۳۷۶: ۷۸).

بند ۷ قطعنامه با اذغان به ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه درگیری از دبیرکل در خواست می‌کند که یک هیئت کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نماید. در ابتدا چنین استنباط می‌شد که موارد و موضوعات مندرج در بندهای ۶ و ۷ قطعنامه قابل تلفیق است و کمیته بازسازی دو موضوع برآورد خسارات ناشی از جنگ و روش‌هایی که در نهایت منجر به اخذ غرامت از مسئول جنگ شود را به انجام خواهد رساند اما در بحث‌های بعدی انجام شده مشخص شد که موضوعات و مسائل مربوط به بندهای ۶ و ۷ قابل تلفیق نبوده و اگر جمهوری اسلامی ایران مایل به اخذ غرامت از عراق باشد باید با تقدیم دادخواست اقدام نماید و لذا شرح وظایف کمیته بازسازی منصرف از اخذ غرامت از عراق خواهد بود. شواهد موجود نشان می‌دهند که این اشتباه بزرگی بود که در شرایط آن زمان دامنگیر مسئولین اجرای قطعنامه ۵۹۸ شده بود، زیرا بندهای ۶ و ۷ به طور مجزا و کاملاً متفاوت از هم تقریر یافته‌اند. به طوری که در بند ۷ قطعنامه چند عبارت وجود دارد که با دقت در آنها منظور تصویب‌کنندگان این قطعنامه یعنی شورای امنیت بهتر روشن خواهد شد:

در این بند تصریح به «احتیاج تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی» نموده است و در نهایت هم از دبیرکل می‌خواهد با تعیین بک هیئت کارشناسی، «موضوع بازسازی را به شورای امنیت» گزارش دهد. در اینجا صحبتی از عراق و پرداخت غرامت توسط متجاوز و شروع کننده جنگ به کشور صدمه دیده به چشم نمی‌خورد. همچنین دقت در عبارت‌پردازی بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ مثبت دیدگاه مطرح شده در گفتار دوم است، گویی اینکه اعضای شورای امنیت با اشاره بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ به قصور و تقصیر و اهمال خود در خصوص جنگ ایران و عراق به صراحت اقرار و اعتراف نموده‌اند که با عدم اقدام به موقع (ترک فعل خود) جهت کنترل و رام نمودن رژیم بعث عراق و شخص صدام، باعث تضرر و خسارات جبران‌ناپذیر به دو ملت بزرگ ایران و عراق شده‌اند و با عبارت-

پردازی و لفاظی سخن از احتیاج به تلاش‌های بازسازی و کمک‌های بین‌المللی مناسب به میان آورده‌اند.

به نظر می‌رسد شورای امنیت با مطرح نمودن «کمک‌های مالی بین‌المللی»، به نوعی درصدد میرا دانستن عراق از غرامت جنگی و همچنین عدم پذیرش قصور این نهاد بین‌المللی بوده است. به همین دلیل برای جبران خسارت ناشی از جنگ و دریافت غرامت برای آسیب‌دیدگان و خسارت‌دیدگان جنگ، از اصطلاح «کمک‌های بین‌المللی مناسب» سخن گفته‌اند و متجاوز بودن عراق و قصور خود را پنهان نموده و وظیفه بازسازی و جبران خسارت را بین جامعه بین‌المللی تقسیم نموده‌اند. بنابراین هر دو کشور ایران و عراق می‌توانند برای جبران خسارت وارده به همه کشورهای وقت عضو شورای امنیت به ویژه پنج عضو دائمی شورا یا به تک تک آنها برای پرداخت غرامت مراجعه نمایند.

دریافت غرامت جنگی که با متجاوز شناختن عراق معنا می‌یافت، در طی نشست‌ها و مواضع بعدی شورای امنیت دنبال شد. چنان‌چه در نهایت در تاریخ بیستم ژوئیه ۱۹۸۷ قطعنامه ۵۹۸ توسط شورای امنیت با رایزنی‌های بسیار گسترده کشورها عضو شورا و دبیرکل به تصویب رسید. شورا در شش بند از ۱۰ بند مذکور در قطعنامه وظایفی بسیار مهمی را به عهده دبیرکل گذاشته بود که دبیرکل را تا چند سال بعد از تصویب آن درگیر اجرای مفاد قطعنامه می‌نمود، یکی از خطرناک‌ترین وظایفی که به عهده دبیرکل نهاده شده بود بند ۶ این قطعنامه بود که شورای امنیت وظیفه ذاتی خود یعنی تعیین متجاوز و مسئولیت تعیین آغازگر جنگ را به عهده دبیرکل قرارداده بود که می‌بایست با تشکیل کمیته‌ای بی‌طرف گزارش مربوط را ارائه دهد. همچنین، خادپر پرز رکوتیار دبیرکل وقت سازمان ملل متحد پس از کارشکنی‌های عراق در زمینه اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ و پس از تماس با مقامات هر دو کشور ایران و عراق و مطالعه اسناد و مدارک ارائه شده و پس از مشاوره با تعدادی از حقوق‌دانان بدون تشکیل هیئت بی‌طرف مذکور در بند ۶ و سه سال بعد یعنی در دسامبر ۱۹۹۱ و تنها سه هفته قبل از پایان دوران دبیرکلی گزارش خود را ارائه و در آن عراق را بعنوان متجاوز معرفی کرد، در بخش‌هایی از گزارش وی در خصوص بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ آمده است:

«واقعیت این است که توضیحات عراق در مورد توجیه علل تهاجم به ایران برای جامعه بین‌المللی قابل قبول و کافی نیست؛ بنابراین رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض حقوق توسل به زور بدان اشاره کردیم، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که با

توجه به منشور ملل متحد و اصول شناخته شده قابل توجیه نیست و موجب مسئولیت مخاصمه است. حتی اگر قبل از شروع مخاصمه برخی از تعرضات از جانب ایران به خاک عراق صورت گرفته باشد؛ این تعرضات نمی تواند توجیه کننده تجاوز عراق به ایران باشد، تجاوزی که اشغال مستمر خاک ایران را در طول مخاصمه در پی داشت. این تجاوز ناقض منع توسل به زور به عنوان یکی از اصول حقوق بین الملل است» (ساعد، ۱۳۸۷: ۳۵۹-۳۵۸). بدین ترتیب، دبیر کل اعلام نمود که پاسخ عراق به نامه وی جنبه ماهیتی نداشته و با اکتفا به مواضع قبلی عراق در قبال تهاجم گسترده به ایران در بند ۹ گزارش خود اظهار می دارد که با توجه به مصالح سیاسی به ویژه تامین صلح و امنیت بین المللی در منطقه، پیگیری بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ ظاهراً ثمری نخواهد داشت، در واقع منظور وی انصراف ایران از مطالبه غرامت و جبران خسارات ناشی از جنگ هشت ساله تحمیلی رژیم بعثی صدام بود که خود دبیر کل، عراق را مسئول تحقیق آن و متجاوز اعلام کرده بود (همان: ۳۶۱).

چنانچه گفته شد مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی در منشور ملل متحد به شورای امنیت تفویض گردیده و جلوگیری از تجاوز و تهدید در روابط بین کشورها بر عهده این شورا گذاشته شده است. بدون شک باید بین مسئولیت شورا در تعیین و احراز تجاوز تحت فصل هفتم منشور و اعلام متجاوز تفکیک قائل شد. بررسی بی طرفانه و غیر مغرضانه و احراز تجاوز نه تنها مسئولیت و تکلیف شورا در تحقق ماده ۲۴ منشور است، بلکه اشتغال عمده شورا در جریان وقوع درگیری ها به عنوان مقدمه ای برای توسل به مواد ۳۹، ۴۱ و ۴۲ منشور نیز می باشد، در عین اینکه این تکلیف شورا ممکن است بنا به مقتضیات زمان و اهمیت و خطیر بودن حفظ صلح و امنیت بین المللی کمی زمان بر باشد، اما به هیچ وجه مسئولیت شورا در تعیین متجاوز را مرتفع نمی سازد، زیرا سکوت در اعلام و معرفی متجاوز جهت اعاده وضع به حالت قبل از جنگ و بویژه عدم جبران خسارات ناشی از این اقدام نامشروع و خلاف قواعد آمره بین المللی نه تنها منطق عدالت و حاکمیت بین المللی قواعد و مقررات حقوق بین الملل را نقض کرده و زیر پا می گذارد، بلکه موجب تشدید بستر تهدیدها علیه صلح و امنیت بین المللی خواهد بود. چنانچه اهمال و قصور شورای امنیت در قبال تجاوز عراق علیه ایران، رژیم بعث و شخص صدام را جری کرد تا متعاقب آتش بس با ایران به کویت حمله نماید، در هر حال شورا نمی تواند از بار مسئولیت تعیین متجاوز فرار کند و حتی نمی تواند از جبران خساراتی که در اثر قصور و حتی قصد عمدی شورا به خاطر عملکرد ضعیف، منفی و منفعل آن در حفظ صلح و امنیت بین المللی

صورت می‌پذیرد، طفره رود (Koskenniemi, 1995: 101). علاوه بر این، حقوق و مسئولیت‌های راجع به بی‌طرفی یکی از اصول غیرقابل خدشه حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد که با توجه به مواضع و تصمیمات ضعیف شورای امنیت، این اصل نیز توسط کشورهای مختلف رعایت نشده بود. چه اینکه در جریان جنگ عراق علیه ایران، کشورهایی که با کمک و مساعدت به رژیم بعثی عراق ماشین جنگی عراق را روز به روز مجهزتر نموده صدام را تحریک و تطمیع نمودند که به جنایات هر چه بیشتر خود علیه مردم ایران دست بزنند.

نتیجه‌گیری

بر مبنای چارچوب نظری تعیین شده که عملیات حفظ صلح را به عنوان وظیفه اصلی شورای امنیت در زمان وقوع جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تشریح می‌کند، این نتیجه حاصل شد که اقدامات شورای امنیت در طول هشت جنگ عراق علیه ایران، تناسبی با وظیفه این نهاد بین‌المللی نداشته است. بر همین اساس، تردیدها درباره برقراری عدالت، مجازات متجاوزان جنگی و تعیین خسارت و سپردن آنان به دست عدالت از سوی شورای امنیت دچار چالشی جدی شده است. این خطر وجود دارد که شورای امنیت به دلیل محافظه‌کاری و گرایش به سمت تعیین منافع قدرت‌های بزرگ، نه تنها به وظایف خود عمل نکند، بلکه باعث گرایش بیشتر کشورها به سمت جنگ برای دستیابی به منافع خود در عرصه بین‌الملل شوند. عدم استقلال شورای امنیت و رویگردانی از انجام عملیاتی جدی برای تعیین تهدید، مقابله با متجاوزان جنگی، تعیین خسارت، و یا برقراری نظام عدالت کیفری از طریق معرفی متجاوز به نهادهای قضایی بین‌المللی، از جمله اختیاراتی است که براساس منشور ملل متحد به این نهاد بین‌المللی واگذار شده است، اما این رویه در جنگ عراق علیه ایران هرگز رعایت نشده است.

بنابراین چون شورای امنیت سازمان ملل متحد، به این وظیفه اصلی خود توجه ننموده و با اغراض سیاسی و همچنین به علت سود سرشار و منافع مادی که از فروش جنگ‌افراز نظامی به هر دو کشور ایران و عراق نصیب کشورهای دارای حق و تو در شورای امنیت می‌کرد، از انجام وظیفه خود طفره رفتند و باعث طولانی شدن این جنگ و تداوم تجاوزات و جنایات رژیم بعثی صدام شدند، لذا از حیث وظایف سازمانی خود، موظف به جبران خسارات و پرداخت غرامت به ایران می‌باشند. لذا ترک فعل نهاد شورای امنیت به عنوان یک بی‌عدالتی بر مبنای عدم توجه به عملیات حفظ صلح روشن است و هم از

اختیارات اعطایی منشور ملل متحد استفاده ننموده و هم عملیات حفظ صلح را ملاً عمل خود قرار نداده است. به طور مشخص، اعضای دائم شورای امنیت یعنی ایالات متحده آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان و چین و همچنین اعضای غیر دائم وقت شورای امنیت از سال ۱۹۸۸-۱۹۸۰ یعنی از زمان وقوع جنگ تا زمان پایان جنگ نیز در این مسأله سهم هستند. بدین معنا که اگر تمامی کشورهای عضو شورای امنیت اعم از دائم و غیر دائم تحت کنترل موثر سازمان ملل اقدام نموده یا می نمایند، یقیناً به خاطر ترک فعل سازمان ملل به ویژه شورای امنیت این سازمان ملل است که باید جبران خسارات جنگ ایران و عراق را نماید.

علاوه بر مقصر دانستن عراق به عنوان کشور متجاوز، توجه و مذاقه در متون و مفاد منشور ملل متحد و بررسی دقیق عملکرد و رویه موجود در شورای امنیت، مسئولیت جبران خسارات جنگ ایران و عراق (یعنی هم خسارات وارده به ایران و هم به عراق) به عهده پنج عضو دائم شورای امنیت (ایالات متحده آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان و چین) و هم تمامی اعضای غیر دائم وقت شورای امنیت از آغاز جنگ یعنی سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸ می باشد. به نظر می رسد طرح چنین ایده ای، شاید بسیار سخت اما با توجه به قواعد و مقررات حقوق بین الملل از جمله اختیارات شورای امنیت که در منشور ملل متحد بیان شده است و همچنین عملیات حفظ صلح، معاصر واقعیتی انکارناپذیر است. موید این مطلب قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد می باشد. اعضای شورای امنیت که قطعنامه ۵۸۹ را تدوین و تصویب می کردند نیز به همین امر و قصور خود در خصوص جنگ ایران و عراق اعتراف داشتند، زیرا در بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ اذعان داشته اند با اعتراف به ابعاد خسارات وارده در خلال جنگ و احتیاج به تلاش هایی برای بازسازی و کمک های بین المللی مناسب به ویژه در هنگام توقف جنگ، از دبیر کل انتظار دارد در این رابطه، هیاتی از کارشناس با تحقیق درباره مساله بازسازی اعزام و گزارش آن را به شورا ارائه دهند.

منابع و مأخذ:

- الکوارى، حمد عبدالعزيز (۱۳۸۷)، **عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران**، ترجمه محمدعلی عسگری، تهران: نشر صریح.
- آقازاده، جواد (۱۳۹۵)، **شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه، فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی‌ام، شماره دوم، صص ۱۶۷-۱۴۲.
- حجازی، ام‌الدین، صلح‌چی، محمدعلی (۱۳۹۹)، **تأثیر شورای امنیت سازمان ملل متحد در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین‌المللی، مجله پژوهش حقوق کیفری**، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۴۶-۹.
- درودیان، محمد (۱۳۷۹)، **سیری در پایان جنگ**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ژماني، سيد قاسم (۱۳۷۶)، **تأملي بر مواضع شوراي امنیت در برابر تجاوز عراق به ايران و کويت، مجله سياست دفاعي**، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۶-۱۷۵.
- ژماني، قاسم (۱۳۷۶)، **کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: بنیاد و حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ژماني، قاسم (۱۳۸۰)، **تأملي بر رعايت حقوق بی طرفي در جنگ تحميلي عراق علیه ايران**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقي شهر دانش.
- ساعد، نادر (۱۳۸۷)، **حقوق بین‌الملل معاصر (نظریه‌ها و رویه‌ها)**، تهران: انتشارات خرسندی.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم، آقاجمادی، زهرا (۱۳۹۴)، **شورای امنیت، قدرت‌های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد؛ چارچوب مفهومی و عملیاتی کارکردی، فصلنامه آفاق امنیت**، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۱۷۹-۱۶۱.
- سیرودی، مرتضی (۱۳۸۰)، **دو جنگ دو داوری (بررسی استراتژی سازمان ملل متحد در دو جنگ ایران و عراق و خلیج فارس)**، تهران: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵)، **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: نشر گنج دانش.
- عابدینی، عبدالله، روزگاری، خلیل (۱۳۹۴)، **حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی**، تهران: انتشارات خرسندی.
- عالی‌زارنجی، رضا (۱۳۹۵)، **شورای امنیت سازمان ملل متحد، و نحوه اقدام آن در برابر کشورهای جهان، نشریه مطالعات علوم سیاسی، مجله فقه و حقوق**، شماره دوم.
- سمتاز، جمشید (۱۳۷۶)، **ایران و حقوق بین‌الملل**، تهران: نشر داد گستر.
- Ghoniem, Amira (2003), **United Nations Peacekeeping Operations: Improvement for Mission Success, Ethics of Development in A Global Environment**, E297b.

-Koskeniemi. Martti (1995). "The Police in the Temple, Order, Justice, and the UN" *A Dialectical View*.EJIL, Vol.6.No.1.

-Malanczuk, Peter (1984), *Akehurst , A Modern Introduction to International Law*. London: Routledge.

-McLaughlin Eugene, John Muncie (2001). *The Sage dictionary of criminology*, London. Sage Publications.

-Oliver, Georg, F (2002), *The Other Side of Peacekeeping: The Yearbook of International Peace Operations*, Vole 8.

-Robert, Adam (1994), *The Crisis in Peacekeeping, Institute forv Arsstudier*, ISSN 0333-3981.

-Rudolf. Berthard (1982). *Encyclopedia of Public International Law, Use of force, War and Neutrality Peae Treaties* (vol 3), Amsterdam Published under the Auspices of the Max Planck institute, North Holand Publishing company.

-United Nations (2008), *United Nations Operations: Principles and Guidelines*, New York: Department of Peacekeeping Operations, Department of Field Support.

-Wizntizer, Louis (1980). *U.N Finds Iran-Iraq Clash a ticklish issue*, 25 Sep.